



## فرصت جوانی در کلام پیامبر مهربانی

**اشاره:** در پنجم اردیبهشت، روز مبعث پیامبر رحمت(ص) و در هجدهم این ماه، "روز جوان" را در پیش داریم. به این مناسبت، مطالبی را درباره فرصت جوانی در سخنان آن حضرت تقدیم می‌کنم.

جوانی، فرصتی ناپایدار است. پیامبر اکرم(ص) بر غنیمت شمردن دوران جوانی، بسیار تأکید داشتند و می‌فرمودند:

**"پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت شمار؛ جوانی را قبل از پیری..."**

نعمت جوانی، بسیار گرانبهاست و در قیامت نیز از این موهبت پرسیده می‌شود. رسول مهربانی(ص) در این مورد می‌فرمایند:

**"هنگامی که انسان در روز قیامت حاضر می‌شود، از جوانی‌اش سؤال می‌کنند که چگونه آن را سپری کرده است."**

جوانی، نعمتی زودگذر است و تباہ ساختن آن، چیزی جز اندوه و پشیمانی را برای دوران پس از آن، بر جای نمی‌گذارد؛ همچنان که از پیامبر رحمت(ص) نقل شده است:

**"از دست دادن فرصت‌ها، اندوهبار است."**

روزگار جوانی، فرصتی جبران‌ناپذیر است. از این‌رو، بی‌توجهی به گذشت ساعت‌ها و روزهای این دوره روانیست، بلکه آراستن لحظه‌های بی‌نظیر آن با تلاش و فعالیت، آینده‌ای روشن و موفقیت‌آمیز را به ارمان خواهد آورد.

شیخ بهایی چه زیبا در این باره سروده است:

جمله که بینی همه دارد  
عوض وز عوض هست  
میسر غرض

آنچه ندارد عوض ای هوشیار  
عمر عزیز است، غنیمت شمار  
روزگار جوانی، در حقیقت  
نسیم رحمتی است که  
بهره‌گیری از آن، آثار ارزنده‌ای  
دارد؛ همچون نسیم بهاری که  
شکوفه‌های درختان را بارور  
می‌کند. پس بر ماست که  
پیام پیامبر اکرم(ص) را از یاد  
نبریم که فرمودند:

"در ایام زندگی‌تان، نسیم‌های  
رحمتی می‌وزد، مراقب باشید  
و خود را در معرض آن قرار  
دهید."

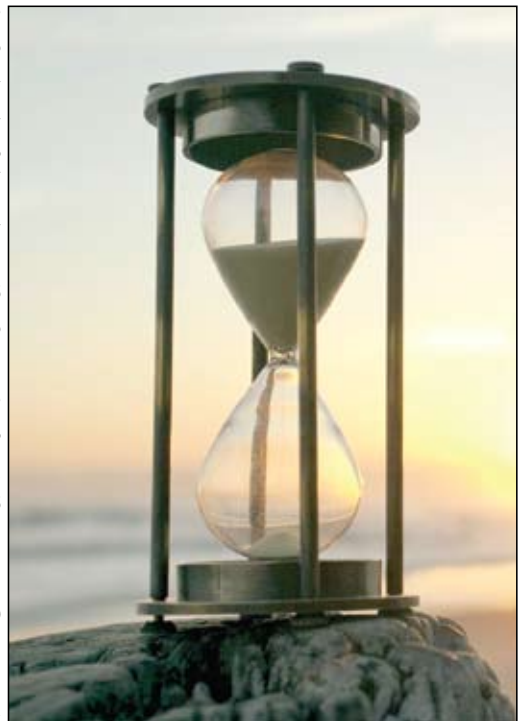
اساساً در جوانی دری به سوی  
جوانان گشوده می‌شود که

مدت کوتاهی بر روی یک پاشنه می‌چرخد؛ چرا که از این در، تنها جوان است که می‌تواند با سرعت و دقت وارد و خارج شود. بنابراین، باید در زمان خود با وارد شدن به این در، از ذخیره‌های موجود بهره گرفت. رسول گرامی اسلام(ص) می‌فرمایند:

"هر کس که برای او در خیر و نیکی‌گی گشوده شد، آن را غنیمت شمارد؛ چرا که او نمی‌داند کی آن را بر او می‌بندند."

با شعری از پروین اعتصامی، سخن را به پایان می‌بریم:

گوهر وقت بدین خیرگی از دست مده  
آخر این دُر گرنامه بهایی دارد



مدرسه، یادداشتهای روزهای تولد، کارت تبریک‌هایی که به مناسبت‌های مختلف گرفته‌ایم و هزاران چیز باارزش دیگر، که هر سال هم بر ارزش آنها افزوده می‌شود.

امسال وقتی که مثل خیلی‌های دیگر، درگیر خانه‌تکانی و مرتب کردن وسایلم بودم، طبق روال سال‌های گذشته، آلبوم‌های عکس قدیمی را از گوشه کمد برداشتم و ورق زدم. عکس پدر بزرگ را دیدم و دوباره به یاد آن پیرمرد دوست‌داشتنی افتادم که حالا خیلی دلتنگش بودم.

البته با رسیدن بهار و دیدن این همه طراوت و تازگی و این همه نماد عشق و زندگی، نباید نکته مهمی را فراموش کنیم. با خودم فکر کردم الان که زنده‌ایم و آنها که دوستشان داریم، در کنار ما هستند، باید از فرصت‌ها بیشتر استفاده کنیم. شاید بهتر باشد به جای بهانه کردن کار و گرفتاری، زمان‌های بیشتری را برای نزدیکان و اقوام، مخصوصاً پدر و مادر، و پدر بزرگ و مادر بزرگ اختصاص دهیم. هیچ‌کس نمی‌داند که چند سال دیگر زنده است و در بقیه عمرش قرار است چه اتفاقی بیفتد و...؛ پس الان که فرصت داریم، ارزش این لحظات را بدانیم و از آن بهترین استفاده را ببریم.

## اعتماد به نفس در سایه تلاش بیشتر

اعتماد به نفس، از فرایندهای درونی انسان است، که برای رسیدن هر فردی به اهدافش ضروری است. اعتماد به نفس، یک حس درونی است و ربطی به بیرون ندارد. گاهی افراد به اشتباه اعتماد به نفس را تکرار یک عمل و تجربه شدن در آن می‌دانند؛ در صورتی که این‌طور نیست، بلکه تلاش مداوم، بدون در نظر گرفتن نتیجه آن است. احساس اعتماد به نفس واقعی از باور ما به استحکام شخصیت خود ناشی می‌شود؛ یعنی تلاش فراوان می‌کنیم تا عاقبت به آنچه می‌خواهیم، برسیم.

کلید اصلی اعتماد به نفس در یک کلمه خلاصه می‌شود: «تلاش».

جوانی که از قبول نشدن در کنکور نمی‌هراسد و کوشش فراوان به خرج می‌دهد و نیز محقق می‌شود که از شکست یا رد شدن تحقیقاتش ترسی ندارد و همواره در تکاپوست، دارای اعتماد به نفس هستند. پس دوباره تکرار می‌کنم که اعتماد به نفس، یک رضایت درونی است، همراه با تلاش و کوشش مداوم.

بعد از تلاش که جوهر اصلی اعتماد به نفس است، مهم‌ترین جزء دیگر اعتماد به نفس، مسأله «تدریجی بودن» آن است؛ به این معنا که این حالت به مرور زمان در انسان شکل می‌گیرد.

از این‌رو، ابتدا باید اهداف را مدنظر قرار دهید و سپس بدون ترس از شکست، به سوی آن حرکت کنید و مطمئن باشید که پیروزی با شماست.



## آغاز بهاران و خاطرات عزیزان

سرانجام عید هم آمد و خیلی زود رفت. همه آن دویدن‌ها و عجله‌های قبل از عید، خرید رفتن‌ها و خانه‌تکانی و... تمام شد. بهار با هزاران پیام از راه رسید؛ پیام نو شدن، طراوت و تازگی و خیلی حرفهای دیگر که زیاد شنیده‌ایم، ولی اغلب به آن‌ها اهمیت نداده‌ایم.

قبل از عید همه‌جا حرف خانه‌تکانی بود و سختی‌های معروف آن. اما در این بین، یک حسن بزرگ هم نهفته است؛ این که خانه‌تکانی، فرصتی برای مرور خاطرات شیرین ماست.

خاطره‌هایی که معمولاً در کمد خانه‌ها، یک سال یا بیشتر خاک می‌خورند، در طی این سنت قدیمی، فرصتی پیدا می‌کنند که دوباره خودی نشان بدهند؛ کتاب و دفترهای دوران